

دوفصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

تمایز گونگی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی (پژوهشی زبان‌شناختی)

آزاده شریفی مقدم^۱

آناهیتا بردبار^۲

چکیده

پژوهش حاضر با فرض بر این اصل که بین متغیر اجتماعی جنس و ویژگی‌های زبانی گروه‌های آن، ارتباطی مستقیم و قاعده‌مند وجود دارد و علی‌رغم نظر برخی ادیبان مبنی بر «مردانه‌سرائی» پروین اعتصامی، تلاش دارد تا با تکیه بر گرایش‌های عام حاکم بر رفتارهای کلامی گروه زنان، ثابت نماید که این شاعره توانمند در بیشتر مختصات زبانی از جمله؛ استفاده از صورت‌ها و اقلام واژگانی، کاربرد ساخت‌ها و الگوهای زبانی، انتخاب موضوع و همچنین ویژگی‌های کاربردی و فرازبانی، کاملاً موافق با روحیات و خلق و خوی زنانه عمل کرده است و بنابراین می‌توان آثار پروین اعتصامی را نموداری واقعی از گزیده‌های کلامی یک زن دانسته و با استناد به ممیزه‌های جنسیتی مستند و برخلاف نظر عده‌ای که معتقدند

۱. استادیار گروه زبان‌های خارجی دانشگاه شهید باهنر کرمان/عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران در دانشگاه شهید باهنر

کرمان asharifi@mail.uk.ac.ir

۲. عضو هیات علمی آموزشکده فنی حرفه‌ای سما، اهواز/عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران در دانشگاه شهید باهنر کرمان

anahitabordbar@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۳۸۸/۱۱/۱۸، تاریخ تصویب ۱۳۸۸/۱۲/۱۵

پروین شاعری مردانه‌سرا بوده است، نشان داد که اشعار وی بیانگر خلق و خوی و روحیات زنانه است و بیشتر ویژگی‌های گونه‌زبانی گروه جنس خود را منعکس نموده است.

واژه‌های کلیدی: گونه جنس، جنسیت‌زدگی، دیوان پروین اعتصامی، اقلام واژگانی، الگوهای زبانی.

۱. مقدمه

در گذشته، خواندن، نوشتن و پژوهش اصولاً امری مردانه تلقی می‌شده است. در چنین جامعه سنتی علم، سیاست و اجتماع دور از دسترس زنان و دیدگاه‌های آنان بود؛ زن به گونه‌ای تربیت می‌شد که نگاهی عاطفی و احساساتی به مسائل داشته باشد؛ نه دیدگاهی اجتماعی، موشکافانه و انتقادی.

به همین ترتیب، گونه‌زبانی زنان نیز می‌بایست نرم و ملایم بود؛ نه سخت، پرخاشگر و انتقادی. به اعتقاد بسیاری از محققان ادبیات ایران از دیرباز ماهیتی مردسالار داشته و روح مردانه بر فرهنگ و ادب ما تسلط داشته است؛ از این روی، زنانی که می‌خواستند وارد حیطه ادبیات و سخنوری شوند، باید با روحیه‌ای مردانه وارد صحنه ادب شده و یا لباس مجازی مردانه به تن می‌کردند تا نام و سخنشان در صفحه روزگار باقی بماند (فلاحی، ۱۳۷۴: ص ۱۶).

در فضای مردسالار حاکم و در طول قرن‌ها غلبه حضور مردان در صحنه شعر و ادب، نام دو زن در کارنامه شعر فارسی می‌درخشد: یکی با پیروی کامل از شعر کهن فارسی (از نظر قالب، لفظ و محتوا و با تکیه بر سنت‌ها و مضمون‌های اخلاقی و اجتماعی) و دیگری در شعر نو و با شکستن سنت‌های شعر فارسی از نظر قالب، لفظ و محتوا و از همه مهم‌تر بیان احساسات زنانه در شعر؛ نخستین این زنان، «پروین اعتصامی» است و دیگری «فروغ فرخزاد».

۲. طرح مسئله

از آنجا که باور غالب بر اینست که پروین اعتصامی شاعره ای مردانه گو و مردانه سرا بوده است، این مطالعه بر آنست تا ضمن ارائه این نظرات و دلایل نظریه پردازان در این خصوص، پس از بررسی و تحلیل اشعار وی و با استناد به یافته‌های جامعه‌شناسان زبان درباره‌ی گونه جنس^۱، نشان دهد که اشعار پروین حاصل توانش کلامی^۲ و عواطف زنانه وی بوده است.

بدین منظور پس از مروری کوتاه بر زندگی و آثار پروین اعتصامی، «گونه جنس» به عنوان یک متغیر اجتماعی تعریف شده، و سپس تمایزهای جنسیتی در شعر او با نمونه‌های مستدل ارائه خواهد شد. بخش فوق زمینه بحث را مهیا خواهد نمود تا بتوان به تحلیل اشعار پروین در چهارچوب اصول حاکم بر گونه جنس پرداخته و از این طریق زنانه‌سراییی وی را اثبات نمود.

۳. پروین اعتصامی و دیوان وی

بانو «رخشنده اعتصامی» متولد ۱۲۸۵ خورشیدی در شهر تبریز و در خانواده ای ادیب پرورش یافت. وی تحصیلات ادبی و عربی خود را نزد پدر آموخت و به تحصیلات عالی خود در دانشگاه-های معتبر ادامه داد. او از هفت سالگی سرودن را آغاز نمود و در فاصله یازده تا چهارده سالگی اشعار زیبایی چون؛ «ای مرغک» و «گوهر و سنگ» را ارائه داد. وی در کارنامه خود خطابه‌ای با عنوان «زن و تاریخ» دارد که در آن از وضع نامناسب جامعه، بی‌سوادی و بی‌خبری زنان ایران سخن برده است. این سخنرانی را که در جشن فارغ التحصیلی خود ایراد کرد، به مثابه اعلامیه‌ای درباره حقوق زنان، در تاریخ معاصر ایران اهمیت زیاد دارد. پروین اعتصامی، پس از کسب افتخارات فراوان، درست هنگامی که دیوانش را برای چاپ دوم آماده می‌کرد، بی‌هیچ سابقه بیماری، در سن ۳۴ سالگی بر اثر بیماری حصبه، دار فانی را وداع گفت. بر سنگ مزار او قطعه ای از سرودهایش نقش بسته است که یاد او را در ذهن و دل مردم زنده نگاه داشته است:

این که خاک سهیش بالین است اختر چرخ ادب پروین است

دیوان پروین، شامل ۲۴۸ قطعه شعر است و از آن میان، ۶۵ قطعه به صورت مناظره می باشد. پروین در قصاید خود از حیث الفاظ، پیرو شیوه شاعران قرن پنجم و ششم، به ویژه ناصر خسرو قبادیانی (۴۸۱ هجری قمری) است. در اشعار دیگر از قبیل قطعات، مثنوی‌ها، غزل‌ها و غیره، سخن او بیشتر رنگ سخن عراقی داشته و دارای ساختار ساده و روان است. در میان اشعار پروین حکایات و تمثیل‌ها بخصوص در شکل مناظره درخشندگی بارزی دارد (فلاحی، ۱۳۷۴: ص ۱۸).

۳.۱. ویژگی های شعر پروین از دیدگاه ادیبان

شعر پروین از برجسته ترین نمونه های شعر «تعلیمی» به حساب می آید. وی از طریق مناظره میان گل و گیاه، نخ و سوزن، سیر و پیاز، مور و مار، دیگ و تاوه، مست و هشیار و... با طنزی لطیف به ترسیم مسائل و مشکلات، فساد، تبعیض و به طور کلی اوضاع نابسامان جامعه زمان خود می پردازد. بهار (بهار، نقل در اعتصامی، ۱۳۶۴: ص خ) در مورد اشعار وی معتقد است که وی در قصاید خود پس از بیانات حکیمانه و عارفانه، روح انسان را به سوی سعی و عمل، امید به حیات، غنیمت شمردن وقت، کسب کمال و هنر، همت و اقدام، نیک‌بختی و فضیلت سوق می دهد. در اشعار پروین، عشق مفهوم زمینی نداشته و مضامین عاشقانه نمود چندانی ندارد. وی بیت زیر را نمونه ای از دیدگاه پروین درباره عشق می داند:

(۱) کتاب عشق را جز یک ورق نیست

در آن هم نکته ای جز نام حق نیست (کعبه دل)

«سادگی و شیوایی» در بیان، ویژگی دیگر اشعار پروین است. وی نکات اجتماعی، اخلاقی و نیز مضامین انتقادی را به روان ترین شیوه کلامی ممکن انتقال داده و مخاطب را - از هر گروه و طبقه ای باشد - تحت تأثیر قرار می دهد. معین (معین، ۱۳۵۵: ص ج)، توانایی کلامی و قدرت بیان پروین در انعکاس و انتقال اندیشه های نو، اندرزهای حکیمانه و تمثیل های نغز رادر اشعار وی شگفت انگیز می داند.

و اما ویژگی دیگری که بسیاری از ادیبان بدان اشاره نموده اند «مردانه‌سرایی» وی است. عده‌ای انتخاب کلمات، آرایش عناصر و نیز چینش آوایی را در اشعار وی تا حد زیادی مردانه و دور از ویژگی‌های زنانه‌گویی توصیف کرده‌اند و دلیل آن را تأثیر وی از شعرای مرد، به‌ویژه ناصر خسرو دانسته‌اند. فلاحی (فلاحی، ۱۳۷۴) زبان ناصر خسرو را به‌دلایلی چون کاربرد برخی اوزان عروضی که موجب اقتدار در بیان شده و نیز آرایش آوایی در سطح واژگان، حد اعلاّی زبان مردانه توصیف می‌کند و معتقد است این ویژگی‌ها را می‌توان در اشعار پروین اعتصامی نیز یافت؛ همچون نمونه زیر:

۲) مرجان خرد ز بحر جان آور
مینای دل از شراب عقل آکن
بی دست چه زور بود بازو را
بی گاو چه کرد کار گاو آهن (هشدارای چند)

خادم ارغدی (خادم ارغدی، ۱۳۸۰) نمود مردانه را در شعر پروین به خردگرایی حاکم بر شعر وی، موعظه‌گری و استواری کلام او نسبت داده و تاثیر عواملی چون شرایط زمانی و جایگاه ادبی وی، عدم کاربرد عناصر و نیز جلوه‌گری‌های زنانه و نیز عشق او به حقیقت را در این ویژگی نافذ می‌داند.

نفیسی (نفیسی، ۱۳۶۲) نیز پروین را در مثنوی‌هایش متأثر از مردان شاعری چون عطار، مولوی، نظامی و به‌ویژه ناصر خسرو دانسته و اشعار زیر را نمونه‌ای از تأثیر وی از ناصر خسرو می‌داند:

۳) رودها از خود نه طغیان می‌کنند
آنچه می‌گوییم ما آن می‌کنند
ما به دریا حکم طوفان می‌دهیم
ما به سیل و موج فرمان می‌دهیم (لطف حق)

۴) مخوان جز درس عرفان تا که از رفتار و گفتارت
بداند دیو کز شاگردهای این دبستانی
چه زنگی می‌توان از دل ستردن با سیه‌رائی
چه کاری می‌توان از پیش بردن با تن‌آسانی (راه نیک)

مردانه‌سرای پروین به گونه‌ی دیگری نیز توضیح داده شده است. عده‌ای این مفهوم را به جسارت وی در ورود به دنیای ادبیات تعبیر نموده و آن را عامل موثر پذیرش وی توسط جامعه ادبی و هنری آن دوره دانسته‌اند. زرین کوب (زرین کوب، ۱۳۶۷: صص ۵۸-۶۰) پروین را زنی مردانه‌خو در قلمرو شعر و عرفان توصیف کرده و یکی از دلایل پذیرش عام شعر پروین و عدم مخالفت با آن را، همسویی او با نهاد مردانه ادبیات، به‌ویژه ادبیات قدیم ایران می‌داند.

۴. زبان و متغیرهای اجتماعی

زبان یک پدیده اجتماعی و از جمله مهم‌ترین نهادهای اجتماعی تلقی می‌شود؛ زیرا نه تنها امکان ارتباط را میان اهل زبان فراهم آورده، بلکه پاسخ‌گوی نیازها و تغییرات اجتماعی نیز می‌باشد. به دلیل این ارتباط تنگاتنگ، بی‌شک زبان تحت تأثیر عوامل اجتماعی مختلف، همچون سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، تحصیل و... قرار گرفته چنانچه عوامل فوق می‌تواند گونه‌ی زبانی فرد را تحت تأثیر قرار داده و یا برخی ویژگی‌های آن را تعیین کند. جامعه‌شناسان گونه‌ی زبانی‌ای را که متأثر از مجموعه عوامل اجتماعی باشد را «گوش اجتماعی»^۱ نامیده و آن را از «گوش جغرافیایی»^۲ (گونه‌ی زبانی فرد، بسته به موقعیت منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کند) متمایز میدانند. گوش اجتماعی شامل انواع گونه‌های زبانی از جمله گونه‌های سن، جنس، گونه‌های شغلی و غیره می‌باشد.

۴.۱. دیدگاه‌های مربوط به گونه جنس

از میان گونه‌های مختلف زبان، بیشترین توجه از سوی زبان‌شناسان و نیز غیرزبان‌شناسان به گونه جنس معطوف بوده است. اولین گزارشات در این زمینه، جنبه عامیانه داشته و به مشاهدات مبلغان مسیحی در قرن هفدهم (۱۷) برمی‌گردد. آنان در سفرهای خود به مناطق بومی غیرانگلیسی‌زبان متوجه برخی تفاوت‌های آشکار در گونه گفتاری مردان و زنان آن مناطق شدند. بعدها این مشاهدات توسط جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان علاقه‌مند به حوزه زبان دنبال شد. اما جو علمی حاکم بر نگرش‌های زبانی و نیز شیوه گردآوری داده‌ها، بیش از آنکه به پیشرفت این مطالعات کمک کند، عامل بازدارنده بود. حاکمیت صورت‌گرایان، تأکید بر جنبه‌های صوری و ساختاری زبان، در حاشیه قرار دادن ویژگی‌های اجتماعی مؤثر بر زبان و نیز شیوه مردمدارانه گویش‌شناسان در ثبت داده‌های گویشی، از جمله موانع توجه جدی به مطالعه تمایزهای جنسیتی در زبان بود. شرایط فوق با ظهور نقش‌گرایان در اواخر قرن بیست و نیز تأکید بر اهمیت عوامل اجتماعی و کاربردی در زبان باعث شد تا بررسی تاثیر متغیرهای اجتماعی بر گونه‌های زبان در شاخه جدیدی با عنوان «جامعه‌شناسی زبان» مورد توجه قرار گرفته و جنبه جدی‌تر و علمی‌تر به خود بگیرد (پاک نهاد جبروتی، ۱۳۸۱).

مطالعاتی که در زمینه گونه جنس انجام گرفته متأثر از دو دیدگاه کلی بوده است که دارای ترتیب تاریخی نسبت به یکدیگرند. اولین دیدگاه تحت تأثیر نظرات ادوارد ساپیر، انسان‌شناس مشهور بوده که معتقد به نوعی جبرگرایی^۱ در زبان بوده است. از دیدگاه ساپیر، «زبان شکل‌دهنده درک ما از جهان خارج است. نظام‌های فکری تحت تأثیر زبان اجتماع می‌باشد؛ به طوری که زبان حاکم در جامعه، اندیشه ما را در مورد واقعیت شکل می‌دهد» (Sapir, 1931:578-584).

از این زاویه، از آنجا که به واسطه زبان، نگرش ما به دنیای اطرافمان ساخته می‌شود و با توجه به اینکه نوعی رابطه سلسله مراتبی میان واژه‌های زبان به لحاظ جنسیت وجود دارد، لذا در فرهنگ کلی اجتماع یک جنس می‌تواند موقعیت و قدرت بالاتری در مقایسه با جنس دیگر پیدا کند.

طرفداران این نظریه به برخی واژه‌های شامل^۱ همچون «آدم»/ «مرد»/ «مردم» در فارسی و واژه man در زبان انگلیسی اشاره می‌کنند که علاوه بر مفهوم خاص خود، به معنای [+مذکر] در معنای عام یعنی [+بشر] نیز به کار می‌روند. به علاوه، این عده به مفاهیم ضمنی این دو واژه نیز استناد کرده و معتقدند که واژه مرد به‌طور کلی و با توجه به ساخت‌های ترکیبی زبان، دارای معنا و تصویر ذهنی مثبت است؛ همچون: جوانمرد، رادمرد، مرد ره بودن، مرد کاری، نامرد، قول مردانه و نیز در عبارت «مرد باید که در کشاکش دهر، سنگ زیرین آسیا باشد»؛ در حالی که واژه‌های زیر، که همه دارای معنا و تصویر ذهنی منفی و فرودست هستند، مربوط به حوزه زنان است: خاله‌زنک، دو بخته، زبان مادرشوهر، حمام زنانه، دخترترشیده، عجوزه و مادر فولادزره.

در انتقاد به نظریه فوق، عده‌ای کوشیده‌اند با استناد به شواهد تاریخی و تغییرات در زمانی مسئله را توضیح دهند. مالکک جار (Malmkjar, 2000: 259) با نمونه‌هایی از متون باستان توضیح می‌دهد که واژه man در انگلیسی باستان، از جهت مقوله جنس خنثی بوده و به معنای «بشر/ انسان» به کار می‌رفته است. این واژه در ترکیب با wæp/wer، مفهوم انسان مذکر (مرد) و در ترکیب با wif، مفهوم انسان مؤنث (زن) می‌گرفته است. واژه‌های wife و woman بازمانده این کلمات‌اند و واژه کنونی man نیز صورت کوتاه‌شده wæpman است.

به علاوه، می‌دانیم که زبان به دلیل پاسخ به نیازهای جامعه، پدیده‌ای پویا و تغییرپذیر است؛ بنابراین مفاهیم و واژه‌ها در طول زمان به سمت دگرگونی و تغییر پیش می‌روند. در مسیر تغییر ممکن است کل مفهوم و یا بخشی از آن تغییر یابد. حذف یک یا چند ویژگی معنایی (نشان مثبت + در مفهوم درونی واژه) را «خنثی‌شدگی»^۲ می‌نامند. این تغییر را می‌توان در مفهوم کلمات «مردانه/ مردانگی» مشاهده نمود. خنثی‌شدگی می‌تواند در اثر هم‌نشینی واژه‌ها نیز اتفاق بیفتد بدون اینکه در مفهوم اصلی واژه تغییری حاصل شود؛ مانند خنثی‌شدگی مقوله جنس در عبارت «چلو مرغ» [مرغ در مفهوم بی‌نشان خود به کار رفته است].

1. Hyponym

2. Neutralisation

از سوی دیگر، از آنجا که زبان به شدت متأثر از فرهنگ است می‌توان این دسته از واژه‌ها را بازمانده فرهنگ مردمدارانه گذشته دانست؛ به هر صورت، در مطالعات زبان‌شناسی آنچه ملاک قرار می‌گیرد، مفهوم صورت کنونی واژه‌ها و مفاهیم آنهاست که بیانگر دانش ذهنی گویشوران آن مقطع خاص می‌باشد. صورت‌های پیشین یک واژه و مفاهیم آن در دوره‌های گذشته ارتباطی به شم زبانی^۱ گویشور زبان ندارد.

جامعه‌شناسان زبان منتقد، این نظریه را "جنسیت‌زدگی زبانی"^۲ می‌نامند و این‌گونه تحلیل را متهم به تبعیض و بی‌عدالتی و همچنین ترویج آن نسبت به یک جنس که همان گروه زنانند، دانسته و آن را شیوه‌ای موثر برای کنترل زبان توسط گروه‌های به اصطلاح برتر قلمداد می‌کنند. این نگرش باعث نادیده انگاشتن گروه زنان شده و احساس از خود بیگانگی و انزوا بدانها می‌بخشد (نرسیسانس، ۱۳۸۳). طرفداران برابری جنسیتی، زبان جنسیت‌زده را عامل اصلی ستم‌دیدگی زنان می‌دانند (پاک نهاد جیروتی، ۱۳۸۱: ص ۴۷).

دیدگاه معاصر، نوعی رابطه مستقیم یا تأثیر نظام‌مند بین متغیر جنس و زبان قائل بوده و آن را حاصل انتخاب آگاهانه از میان ساختارهای زبانی موجود می‌داند که توسط اهل زبان صورت می‌گیرد. در اینجا گونه جنس، فرایندی است که حاصل فعالیت آگاهانه و اجتماعی اهل زبان می‌باشد و نه محصول ساخت‌های از پیش تعیین شده (Wardhaugh, 1990:302).

به نظر می‌رسد که گونه جنس، همچون هر متغیر اجتماعی دیگر، کاملاً وابسته و متأثر از فرهنگ خاص یک جامعه بوده و صرفاً در قالب آن فرهنگ قابل تعبیر است؛ اما واقعیتی که توجه زبان‌شناسان را به این مطالعات جلب کرده، این است که بخش عمده‌ای از ویژگی‌هایی را که به گونه جنس منتسب دانسته‌اند، جنبه جهانی/همگانی^۳ دارند و تمامی گروه زنان با هر نژاد، فرهنگ، دین، زبان و طبقه اجتماعی شامل می‌شوند. به دلیل اهمیت این مطلب در بخش جداگانه زیر بدان خواهیم پرداخت.

-
1. Intuition
 2. Language Sexism
 3. Universal

۲.۴. ویژگی‌های گونه‌گفتاری زنان

مطالعات متعدد نشان داده است که در دو گروه زنان و مردان، گونه‌زبانی جنس در مواردی مشخص از یکدیگر متمایزند. ویژگی‌های عام گونه‌زبانی زنان را می‌توان با توجه به سطوح مختلف زبانی، به صورت زیر طبقه‌بندی و خلاصه نمود:

الف) واژگان: براساس تحقیقات انجام گرفته، گروه‌های جنس در انتخاب برخی اقلام واژگانی متفاوت عمل می‌کنند. کیت و شاتل‌ورث (Keith and Shuttleworth, 1971) معتقدند زنان دایره لغات محدودتری داشته و از کلمات تکراری بیشتر استفاده می‌کنند؛ به‌علاوه، دو گروه در توضیح و توصیف صحنه‌ها و وقایع نیز متفاوت عمل می‌کنند. به‌اعتقاد آنان، مردان در توضیح، دقیق‌تر و موفق‌تر عمل می‌کنند. لیکاف (Lakoff, 1975) نیز حوزه‌واژگان دو گونه‌جنس را در موارد زیر متمایز می‌داند:

- واژگان مربوط به رنگ و گل: دایره لغت رنگ در گروه خانم‌ها وسیع‌تر است. آنان از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که در میان گروه آقایان معمول نیست. رنگ‌های mauve و beige (ارغوانی روشن و نخودی رنگ) در زبان انگلیسی و رنگ‌های «نخودی، عدسی، موشی و فیلی» در زبان فارسی، که در گونه‌زبانی زنان معمول است، این تفاوت را نشان می‌دهد؛ به‌علاوه، کاربرد اسامی گل‌ها در مفهوم ارجاعی و غیرارجاعی در گونه‌زبان رایج‌تر است.

- صورت‌های (وصفی) عاطفی: واژه‌هایی چون «طفلک، ناز، موشی، حیوانی» در زبان فارسی و lovely, divine, sweet (به ترتیب بانمک، الهی، ناز و دوست‌داشتنی) در زبان انگلیسی، که دارای بار احساسی و عاطفی بوده و نمایانگر حس و احساس فرد بوده و نوعی همدردی را نشان می‌دهد، در گونه‌گفتاری زنان معمول‌تر می‌باشد.

- عناصر مؤکد: در زبان، عناصری وجود دارد که جنبه اطلاع‌رسانی ندارند؛ بلکه بیشتر جنبه تأکیدی دارند؛ مانند قسم‌ها و نفرین‌ها. کاربرد این دسته از واژه‌ها نیز در دو گروه متفاوت است. ساخت‌هایی چون انصافاً، عمراً، به مولا، و خدا و کیلی، خاص گونه‌زبانی مردان بوده و برخی قسم‌ها همچون قسم به معصومین، در گونه‌زبان معمول است.

ب) الگوها و ساخت‌های زبانی: به نظر برند (Brend, 1975) الگوهای گفتاری زنان با مردان متفاوت است و زنان از الگوهای مربوط به شگفتی و ادب، بیشتر از مردان استفاده می‌کنند. زیرمن و وست (Zimmerman and West, 1975) معتقدند در نظام ارتباطی زنان، روابط اجتماعی از نوعی یکدستی و برابری برخوردار است؛ یعنی میان عوامل ارتباط نوعی سازگاری دیده می‌شود. آنان به کاربرد ضمایر «جمع» در گفتار زنان اشاره کرده و آن را نشانه حس سازگاری آنان می‌دانند. زنان از این طریق حوزه مشارکت افراد را در گفتگو گسترش داده و تعداد بیشتری را در گروه خود جای می‌دهند. این روش در ارتباط، استراتژی «انسجام» نامیده می‌شود.

برند (Brend, 1975) پرسشگری در گونه زنان را نیز به استراتژی انسجام مربوط می‌داند. وی معتقد است که در گفتار این گروه، آهنگ خیزان به واسطه کاربرد جمله‌های تعجبی و پرسشی بیشتر دیده می‌شود. در جمله‌های تعجبی، بار عاطفی پررنگ‌تر از بار خبری است و لذا با خوی زنان سازگارتر است. جمله‌های پرسشی علاوه بر تفاوت در فراوانی، به لحاظ انگیزه طرح سؤال نیز در گروه‌های جنس، متفاوت است. پرسشگری در گروه زنان، که عموماً با پایانه‌های کوتاه پرسشی (مگه نه؟ اینطور نیست؟) ساخته می‌شود، به ویژه هنگامی که در مسیر مکالمه تکرار شود، بیش از آنکه به منظور کسب اطلاعات از سوی مخاطب باشد، بیشتر برای ایجاد ارتباط با مخاطب بوده و نوعی فضای مشارکت را فراهم می‌آورد. در مجامع رسمی نیز طرح سؤال از سوی خانم‌ها معمولاً (نه همیشه) جنبه حمایتی داشته و به پیش‌برد سیر گفتگو کمک می‌کند. برند معتقد است در گروه مردان، طرح سؤال با انگیزه ابراز عقیده، طرح اندیشه‌ای نو و یا حتی مخالفت با سوی مقابل، دور از انتظار نبوده و به نظر می‌رسد که مردان در گفتارشان از استراتژی قدرت^۲ / منزلت^۳، بیشتر بهره می‌گیرند.

لیکاف (Lakoff, 1975) این موضوع را به صورتی دیگر تحلیل می‌کند. وی بین ویژگی‌های زبانی و موقعیت اجتماعی زنان، نوعی رابطه مستقیم متصور بوده و معتقد است عدم قاطعیت

-
1. Solidarity
 2. Power
 3. Status

در گفتار این گروه که به صورت طرح سؤال نمایان است، با عدم اطمینان آنان از اوضاع و جایگاه اجتماعی متزلزلی که در آن قرار دارند ارتباط دارد. وی آهنگ افتان در گفتار گروه مردان را به اطمینان آنان از موقعیت اجتماعی‌شان مرتبط می‌داند.

ویژگی دیگری که در بسیاری از زبان‌ها به اثبات رسیده است اینکه گروه زنان گرایش بیشتری به کاربرد گونه معیار دارند^۱. در توضیح این مطلب، که در بسیاری از زبان‌ها به تأیید رسیده است، ترادگیل (Trudgill, 1983) معتقد است در میان گروه زنان، فردی که به گونه معیار صحبت کند، داناتر، باهوش‌تر، موفق‌تر، مستقل‌تر و حتی اجتماعی‌تر پنداشته می‌شود. آنان از طریق این مفاهیم ضمنی به دنبال کسب جایگاه شغلی و اجتماعی بهتری هستند که در جامعه، توسط مردان اشغال شده است. لباو (Labov, 1972) برای کاربرد گونه معیار، تحلیلی اجتماعی به دست می‌دهد. وی معتقد است که این گرایش، حاصل انتظارها و حساسیت‌هایی است که زنان مرجع آن‌اند. در تمام زبان‌ها و فرهنگ‌ها، شواهد نشان می‌دهد که گروه زنان (دختران، مادران و همسران) در رفتارهای اجتماعی که زبان نیز شامل آنست، می‌بایست از معیارهای سنگین‌تر و دقیق‌تری پیروی کنند.

میزان صراحت^۲ در گفتار، ویژگی دیگری است که دو گونه زبانی را از یکدیگر متمایز می‌سازد. مردان در گونه گفتاری خود صراحت بیشتری داشته و مستقیم‌تر صحبت خود را بیان می‌دارند؛ در حالی که زنان ترجیح می‌دهند به دلیل ملاحظه‌های اجتماعی و توجه به انتظارهای گروه مقابل، غیرمستقیم‌تر سخن بگویند، پرده‌پوش‌تر باشند و الگوهای ادب را بیشتر رعایت کنند. به همین دلیل، استفاده از «کارگفت‌های غیرمستقیم»^۳ در زبان گونه زنان بیشتر مشاهده می‌شود.

۱. گرایش بیشتر گروه زنان به کاربرد گونه معیار، در زبان‌های مختلف به اثبات رسیده است. هادسن (Hudson, 1996: 193) به موارد زیر اشاره می‌کند: لباو (۱۹۹۰) در زبان‌های انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی و اسپانیایی؛ جهانگیری (۱۹۸۰) و هادسن (۱۹۹۶) در زبان فارسی؛ و عبدالجواد (۱۹۸۷)، عبدالحیدر (۱۹۸۹) و حائری (۱۹۸۷) در زبان عربی.

2. Directness

۳. کارگفت‌ها (speech acts) ساخت‌هائی هستند که در حالت مسقیم به صورت زیر به کار می‌روند: جمله خبری به منظور بیان اطلاعات / خبر، جمله سؤالی به منظور کسب خبر، جمله امری برای درخواست یا امر.

اگرچه کاربرد ساختارهای ممنوعه مانند ناسزا و برخی شوخی‌ها، به‌لحاظ رعایت اصول ادب، در هر دو گروه غیرمجاز است، اما این مسئله بنا به انتظارات اجتماعی بیشتر متوجه گروه زنان می‌شود (Wardhaugh, 1990).

ج) موضوع: تفاوت دیگری که میان رفتارهای کلامی زنان و مردان وجود دارد، انتخاب موضوع گفتگو است. کرامر (Kramer, 1974) ترجیح گروه خانم‌ها را به انتخاب موضوع‌هایی چون طرح مسائل اجتماعی همچون مسائل مربوط به خانه و خانواده، افراد، آشپزی، مد و تجربه‌های شخصی دانسته و گفتگوی مردان را بیشتر حول محور ابزارآلات، اتومبیل، سیاست، ورزش و انتقاد از شرایط اجتماعی حاکم ذکر می‌کند. مردان کمتر به طرح مسائل شخصی و خصوصی خود و نیز ورود به حوزه‌های شخصی دیگران علاقه دارند؛ اما از بیان موضع مخالف و ایجاد بحث ابائی ندارند.

د) ویژگی‌های کاربردی و فرازبانی^۱: کاربرد نشانه‌های غیرکلامی همچون حالت‌های چهره، دست‌ها و چشم‌ها هنگام صحبت نیز در دو گروه متفاوت است. مطالعات نشان می‌دهد که این حرکات در گروه زنان شایع‌تر بوده و بخش مهمی از نظام ارتباطی آنان را تشکیل می‌دهد.

ه) تمایز دیگر به لحن^۲ گفتار مربوط می‌شود. صمیمیت^۳ بیشتر به‌ویژه در جمع هم‌جنسان، از ویژگی‌های دیگر گونه‌زبانی زنان است. گرایش آنان به کاربرد برخی اسم‌های خاص در جمع و حتی ورود به حوزه شخصی دیگران، از نشانه‌های این صمیمیت است.

سکس و دیگران (Sacks and others, 1974) معتقدند زنان بیشتر با ابزار زبان به ایجاد رابطه صمیمانه و برابر با یکدیگر و تفسیر رفتارها و گفتارها می‌پردازند. آنان برای سهولت در ایجاد

هنگامی که ساخت‌های زبانی به منظور یا هدفی غیر از آنچه گفته شد به کار روند، کارگفت غیرمستقیم (Indirect Speech) (Act) نامیده می‌شود؛ مثلاً هنگامی که برای بیان درخواست، به‌جای جمله امر، از جمله سؤالی یا خبری استفاده شود (مثل؛ می‌شود کمی آرام‌تر باشی؟ به‌جای ساکت باش). مطالعات نشان داده است که کارگفت‌های غیرمستقیم در گروه زنان به‌طور قابل توجهی بیشتر به کار می‌رود.

1. Paralinguistic
2. Tune
3. Intimacy

ارتباط و بیان حالت‌های روحی خود، از لحن صمیمانه استفاده می‌کنند. در حالی که گروه مردان از زبان بمنظور بیان موضع غالب، ابراز اندیشه‌ای نو و تأکید بر موجودیت خود استفاده می‌کنند. زبان برای گروه مردان بیش از آنکه وسیله ارتباط باشد، ابزار دریافت و انتقال اطلاعات و کلید حفظ استقلال و موجودیت فرد در گروه می‌باشد.

البته مشخصات جمع، اعم از تعداد و مهم‌تر از آن، جنسیت گروه، بر مشارکت زنان تأثیر مستقیم گذاشته؛ به گونه‌ای که زنان در اجتماع‌های کوچک، به‌ویژه در گروه هم‌جنسان خود به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر از گروه مردان مشارکت کرده؛ در حالیکه در گروه‌های پرجمعیت و غیرهم‌جنس، ترجیح می‌دهند سکوت کنند. لوندیس (Londis, 1972) معتقد است در چنین اجتماع‌هایی، سکوت زنان گاه می‌تواند به دلیل انتظار گروه مخالف، به‌ویژه همسران آنها باشد.

۵. بحث و تحلیل داده‌ها

طبق آنچه در بخش قبل عنوان شد، گونه‌ی زبانی زنان به‌طرزی منظم و قاعده‌مند از گونه‌ی زبانی مردان متمایز است. این تفاوت‌ها را می‌توان در سطوح مختلف زبانی از جمله حوزه واژگان، صرف و نحو و گفتمان مشاهده و طبقه‌بندی کرد؛ علاوه بر این، هرچه کاربرد زبان به گونه‌ی گفتاری نزدیک‌تر باشد، تمایزهای گونه‌ی جنس آشکارتر است.

حال از آنجا که گونه‌ی کلامی پروین اعتصامی، به دلیل انتخاب نوع عناصر واژگانی و نیز میزان ارتباط با مخاطب، به گونه‌ی گفتاری نزدیک می‌باشد، در این مقاله فرض بر اینست که می‌توان با استناد به ممیزه‌های جنسیتی مستند و برخلاف نظر عده‌ای که معتقدند پروین شاعری «مردانه‌سرا» بوده است، نشان دهیم که اشعار وی بیانگر خلق و خوی و روحیات زنانه بوده و بیشتر ویژگی‌های گونه‌ی زبانی گروه جنس خود را منعکس نموده است.

در ادامه بحث، ویژگی‌های گونه‌ی جنس را به تفکیک سطوح و حوزه‌های زبانی، ارائه و توضیح خواهیم داد.

۱.۵. حوزه واژگان

ویژگی بارز اشعار پروین اعتصامی، «ساده گوئی» است. این ویژگی که خود امکان ارتباط بهتر و بیشتر وی را با مخاطب فراهم نموده است، حاصل کاربرد ساختارهای دستوری غیر پیچیده، توصیف‌های راحت و نیز اقلام واژگانی عام و حتی تکراری است. صحنه‌های توصیفی وی در قالبی قابل فهم ارائه می‌شود. نمونه‌های زیر از آن جمله است:

(۵) روزی گذشت پادشهی از گذرگهی

فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست (اشک یتیم)

(۶) به وقت غله خرمن توده کردی

دل از بیمار کار آسوده کردی (آروزی مادر)

دایره واژه‌های به‌کاررفته در این مجموعه، از گستره و تنوع زیاد برخوردار نبوده و به کرات به واژگان تکراری برمی‌خوریم؛ همچون: «گل و گلشن» ۴۱۵ بار، «باغ و باغبان» ۱۳۴ بار، «خاک» ۱۲۶ بار، «مرغ و مرغک» ۱۱۷ بار، «هنر» ۹۰ بار، «چمن» ۶۹ بار، «مور» ۶۷ بار، «کودک» ۶۱ بار، «مادر» ۵۴ بار، «اشک» ۵۴ بار و «طفل» ۵۳ بار.

۱.۱.۵. واژگان متعلق به حوزه زنان

در میان واژگان به‌کار رفته در دیوان پروین، بکرات به کلماتی برمی‌خوریم که دارای بار معنایی یا عاطفی زنانه بوده و یا حاوی ویژگی‌های معنایی حوزه زنانند. کاربرد مکرر واژه‌های «مادر» ۵۴ بار، «دختر» ۱۵ بار، «پیرزن» ۱۴ بار و «بانو» ۶ بار، نمایانگر احساس زنانه و دیدگاه عاطفی وی به جنس «زن» است. نمونه‌های زیر، این گرایش را نشان می‌دهد:

(۷) به سر خاک پدر دخترکی

صورت و سینه به ناخن می‌خست (بی پدر)

۸) دختری خرد به مهمانی رفت
در صف دختر کی چند خزید (تهی دست)

۹) مادرم دست بشست از هستی
جامه مادر من دربر کرد (بخت تیره)

۱۰) گفتا حدیث مهر بیاموزدت جهان
روزی تو هم شوی چون من ای دوست مادری (حدیث مهر)

۱۱) چراغ پیرزن بس زود میرد
خوشست ار کلبه‌اش نور از تو گیرد (پیوند نور)

۱۲) روز شکار پیرزنی با قباد گفت
کز آتش فساد تو جز دود آه نیست (شکایت پیرزن)

۱۳) ز راه تجربه گر هفته‌ای سکوت کنی
نه خواجه ماند و بانو، نه شکر و انبان (سرنوشت)

۲.۱.۵. صورت‌ها و اقلام واژگانی عاطفی

پروین حس همدردی خود را با مردم اجتماع، به‌ویژه طبقه فرودست، بیشتر از طریق اختصاص دادن اشعار خود به این طبقه و توصیف احوال و وضع معیشت آنان نشان داده است. وی در هشت شعر از دیوان خود با نام‌های «طفل یتیم»، «تیره‌بخت»، «شکایت پیرزن»، «ای رنجبر»، «آشیان

ویران»، «اندوه فقر»، «نغمه رفوگر» و «نغمه خوشه‌چین» به وضع کودکان یتیم و توصیف بدبختی‌های آنها می‌پردازد.

۳.۱.۵. استفاده مکرر از واژگان مربوط به رنگ و گل

از دیگر ویژگی‌های دیوان پروین اعتصامی، حضور مکرر رنگ‌ها و نام گل‌ها در آن است. واژه‌های «لاله» ۷۲ بار، «نرگس» ۹ بار، «سوسن» ۱۰ بار، «گل سرخ» ۹ بار، «نسرین» ۷ بار، «ریحان» ۷ بار، «بنفشه» ۵ بار، «سنبل» ۴ بار، «یاسمین» ۴ بار، «سیه» ۸۲ بار، «سیاه» ۵۹ بار، «سبز» ۳۸ بار، «سرخ» ۳۴ بار، «سپید» ۳۱ بار، «زرد» ۸ بار، «سفید» ۷ بار، «ارغوانی» ۳ بار، «مشکین» ۲ بار، در شعر این شاعر استفاده شده است؛ از جمله در ابیات زیر:

۱۴) میان لاله و نرگس چه فرق؟ هر دو خوش‌اند
که گل به طرف چمن هر چه هست عشوه‌گریست (آتش دل)

۱۵) ز نرگس دل ز نسرین سر شکستند
ز قمری پا ز بلبل پر شکستند (برگ‌ریزان)

۱۶) خمید نرگس پژمرده‌ای ز اندوه و شرم
چو دید جلوه گل‌های بوستانی را (بهای جوانی)

۱۷) سپیدم زان سبب کردند در بر
که باشد جامه پرهیزگاری (برف و بوستان)

۱۸) چهر چمن زرد شد از تندباد
برگ ز گل غنچه ز گلشن فتاد (بلبل و مور)

۱۹) همی به تیرگی خود فزودی از پستی
سیاه‌روز و سیه‌کار و بد‌گهر بودی (سیه‌روی)

۲.۵. الگوها و ساخت‌های زبانی

۵. ۱.۲. الگوهای شگفتی و حیرت

علاوه بر انتخاب واژگان، پروین اعتصامی به‌لحاظ کاربرد ساختارهای زبان نیز گرایش‌های گونه‌زبانی گروه جنسیتی خود را منعکس می‌سازد که از آن جمله می‌توان به کاربرد نسبتاً زیاد جمله‌های تعجیبی اشاره نمود. وی از این طریق ضمن انعکاس احساسات و عواطف زنانه خود، سعی در همسو سازی خواننده با این حس دارد. پروین شگفتی و حیرت خود را از آنچه می‌بیند و یا می‌شنود و یا آنچه بر او می‌گذرد، با ۵۷ بار تکرار ساخت‌هایی چون «ای‌عجب» نشان می‌دهد.

۲۰) ای‌عجب! این راه نه راه خداست
زانکه در آن اهرمنی رهنماست (قصاید، ص ۱۱)

۲۱) تا تو خاکی را منظم شد نفس
ای‌عجب! خود را پرستیدی و بس (خوان کرم)

۲۲) دی شکفت از گلین و امروز شد
ای‌عجب! دیروزها امروز شد (گل پژمرده)

پروین اعتصامی در مقام یک زن ادیب و بنا به روحیات زنانه خود، به ایجاد فضای ارتباط و مشارکت با مخاطب گرایش داشته و آن را از راه‌های مختلف نشان می‌دهد.

نخست از طریق کاربرد جمله‌های پرسشی؛ وی از طریق پرسش گری، علاوه بر ارتباط مستقیم با مخاطب، او را به ادامه مطلب و دنبال نمودن پیام خود تشویق می‌کند. پس از بررسی اثر، مشاهده گردید که کلمه‌های «چرا» ۱۳۴ بار، «چگونه» ۲۳ بار و «چه» ۵۷۶ بار تکرار شده است. مثال:

(۲۳) جمله را دیوانه نامیدم چو بگشودند در
گر بد است، ایشان بدین نامم چرا نامیده‌اند؟ (دیوانه و زنجیر)

(۲۴) چرا باید چنین خود کام بودن؟
اسیر دانه هر دام بودن؟ (دیده و دل)

(۲۵) آگه چگونه گشت ز سود و زیان خویش
سوداگری که فکرت سود و زیان نداشت (قصاید، ص، ۲۶)

(۲۶) چگونه راهنمایی که خود گمی از راه؟
چگونه حاکم شرعی که فارغی ز احکام؟ (قصاید، ص، ۴۳)

(۲۷) چو گوی از دست ما بردند فرجام
چه فرق ار اسب توسن بود یا رام؟ (امید و نومیدی)

(۲۸) دولت چه شد که چهره ز درماندگان بتافت؟
اقبال از چه ز بیچارگان رمید؟ (اندوه فقر)

روش دیگر، برابری پروین با خواننده است. در واقع او دیدگاه «جمع مدارانه» به مسائل دارد. مسئله او، مسئله دیگران و درد دیگران، درد اوست. کاربرد ضمیر جمع خود نشانه ایجاد فضای مشارکت بوده و همسو با استراتژی «انسجام» در گروه زنان می باشد. در اشعار وی تنها ضمیر جمع «ما» به تعداد ۴۹۰ بار استفاده شده است؛ از جمله در موارد زیر:

(۲۹) تو پریشان ما و ما ایمن
تو گرفتار ما و ما آزاد (هرچه بادا باد)

(۳۰) به سوزنی زره شکوه گفت پیرزنی
بین ز جور تو ما را چه زخم‌ها به تن است (نشان آزادی)

(۳۱) نه شما را ز دهر منظور است
نه کسی را سوی شما نظر است (باد بروت)

(۳۲) نیستید آگه از این زخم از آنک
مار ادبار شما را نگزید (تهی دست)

۵.۲.۲. گونه معیار، غیر صریح و مودبانه

پروین اعتصامی همچون سایر هم‌جنسان خود ترجیح می‌دهد تا از روشی غیر مستقیم، غیر صریح و حتی مودبانه به بیان دیدگاه انتقادی خود بپردازد. وی گلایه خود را از ظلم و بی‌عدالتی در قالب مناظره میان شخصیت‌های غیر بشری‌ای همچون «نخ و سوزن»، «سیر و پیاز»، و «گل و خار»،... در مفهوم انتزاعی و استعاری آنها بیان می‌کند؛ همچون در موارد زیر:

(۳۳) از آن افتادن بی‌گه بر آشفتم

نهان با شاخک پژمان چنین گفت
که پروردی مرا روزی در آغوش
به روز سختی ام کردی فراموش
نشاندی شاد چون طفلان به مهدم
زمانی شیر دادی گاه شهدم (برگ ریزان)

حتی به نظر عده‌ای، ماجرای ناسازگاری وی با همسرش به گونه‌ای غیرمستقیم در آثارش بیان شده است. شعر «نااهل» که ظاهراً مناظره‌ی بین گل و خار است، بنظر می‌رسد بیانی پرده‌پوشانه از ازدواج او باشد. (شریعت ناصری، ۱۳۸۳).

۳۴) نوگلی روزی ز شورستان دمید
خار، آن گل دید و رو در هم کشید
کز چه روییدی به پیش پای ما
تنگ کردی بی ضرورت جای ما

از اشعار دیگر پروین که گویای تجربه تلخ زندگی زناشویی‌اش است، می‌توان به «امید و نومیدی»، «سختی و سختی‌ها»، «عیب‌جو» و «همنشین ناهموار» اشاره نمود. پروین هیچ‌گاه به‌طور مستقیم همسرش را نکوهش نکرده است. او همچنین در قالب تمثیل و حکایت، پادشاهان را به باد انتقاد می‌گیرد و به‌صورت غیرمستقیم، شکایت کرده و یا اندرزشان می‌دهد.

۳۵) ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است
این گرگ، سال‌هاست که با گله آشناست (اشک یتیم)

۳۶) هنگام چاشت سفره بی‌نان ما ببین
تا بنگری که نام و نشان از رفاه نیست...
دزدم لحاف برد و شبان گاو پس نداد
دیگر به کشور تو امان و پناه نیست (شکایت پیرزن)

۳.۵. انتخاب موضوع

از دیگر ویژگی‌های شعر پروین، که وی در آن به شدت زنانه عمل کرده، انتخاب موضوع است. وی همچون سایر زنان به موضوعات و مسائل اجتماعی، خانوادگی، و موضوع‌های عاطفی علاقه داشته و آنها را به بحث می‌گذارد. نقش گل به دلایلی چون لطافت، زیبایی، عمر کوتاه و آسیب‌پذیری آن بسیار نمایان است. او بیش از ده (۱۰) شعر خود را به گل اختصاص داده است؛ از جمله «گل و خاک»، «گل و خار»، «گل سرخ»، «گل خودرو» و...

موضوع‌های دیگری که دیدگاه زنانه وی را درباره مسائل مختلف نشان می‌دهد، عبارتند از:

- امید (در اشعار؛ لطف حق، گره‌گشای، عشق حق، نغمه صبح، شوق برابری، و...)
- مهرورزی (در اشعار؛ بهای نیکی، خاطر خشنود، حدیث مهر، و...)
- رنج روزگار (در اشعار؛ قلب مجروح، فریاد حسرت، شکسته، تیره‌بخت، خون دل سفر اشک، و...)
- اعتقاد به سرنوشت (در اشعار؛ قائد تقدیر، کمان قضا)
- پند و نصیحت (در اشعار؛ چند پند، بهای نیکی، و...)
- مسائل زنان (در اشعار؛ شکایت پیرزن، مادر دوراندیش، بی‌پدر، زن در ایران، طفل یتیم، و...)
- ظلم و بی‌عدالتی (در اشعار؛ توانا و ناتوان، ریا، کودک آرزومند، تهی‌دست، ناتوان، شکایت پیرزن، و...).

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد اشعار پروین، مناظره بین دو شخصیت (بیشتر غیربشری) است که در یک صفت یا ویژگی، نقطه‌مقابل یکدیگرند؛ همچون: «کرباس و الماس»، «کوه و کاه»، «گرگ و سگ»، «گل و خاک»، «گرگ و شبان»، «توانا و ناتوان»، «پایه و دیوار»، و... این

مطلب نشان می‌دهد که پروین نگاه تک بعدی به جهان نداشته، بلکه جهان را پیوستاری می‌بیند که تمام صفات از نهایت خوبی، زیبایی، عدالت و... تا نهایت بدی، زشتی، ظلم و... در آن جمع شده‌اند. این خود گویای وسعت دید و گستره تفکر او درباره زندگی است.

۴.۵. ویژگی‌های کاربردی و فرازبانی

اگرچه دیوان پروین اثری مکتوب است، به وضوح می‌توان لحن صمیمانه، مهر مادرانه، روحیات و خلق و خوی زنانه را در آن مشاهده نمود.

در ادبیات ما، شعرهای سروده شده برای مادر و حتی شعرهایی که به رابطه میان مادر و فرزند می‌پردازند، بسیارند؛ اما کمتر شعری است که بازتاب لحن مادرانه باشد. شعر اعتصامی، شعری مادرانه است و شاعر با لحنی مهربان، و واژگانی ساده ولی نه در قالبی کودکانه با فرزند سخن می‌گوید؛ به گونه‌ای که به راحتی می‌توان نگرانی‌ها و مهر و عطوفت یک مادر را در کلام وی یافت. اگرچه پروین برای کودکان شعر نسرا نیده اما شعر وی نمودار واقعی شعر کودک است.

(۳۷) فرزند ز مادر است خرسند

بیگانه کجا و مهر مادر (ای گربه)

(۳۸) چو کبوتریچه پرواز مکن فارغ

که به پرواز گه توست قضا شاهین (قصاید)

(۳۹) چون دید تو را ضعیف و بی‌پر

زیر پر خویشان نشاندت

بس رفت به کوه و دشت و کهسر

تا دانه و میوه‌ای رساندت (ای مرغک)

(۴۰) مرا در دام‌ها بسیار بستند

ز بالم کود کان پرها شکستند

هجوم فتنه‌های آسمانی

مرا آموخت رمز زندگانی

نگردد شاخک بی‌بن برومند

ز تو سعی و عمل باید ز من پند (آرزوی پرواز)

ابزارهای کلامی‌ای که به پروین کمک می‌کند تا بتواند با لحنی صمیمانه، ارتباط عاطفی بیشتری با مخاطب خود برقرار کند، شامل واژگان ساده، موضوع‌های آشنا و مأنوس و نیز کلام قابل فهم وی است که همراه با حس و احساس اُنس با خواننده توانسته مجموعه‌ای ماندگار، لطیف و سرشار از ظرافت زنانه را ارائه دهد.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، که هدف از آن تشخیص و بررسی ممیزه‌های جنسیتی در اشعار پروین اعتصامی است، پس از ارائه اصول همگانی حاکم بر گونه‌ی زبانی زنان، اشعار فوق به منظور انطباق با اصول فوق مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این مطالعه، ضمن تأیید «زنانه‌سرائی» پروین، گرایش‌های عام حاکم بر گونه‌ی زبانی زنان را ثابت می‌کند.

مهم‌ترین یافته‌های این مقاله را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- واژگان مورد استفاده در اشعار پروین طبق یک گرایش عام زنانه دارای ویژگی محدودیت نسبی بوده که در میان آنها کلمات تکراری فراوان دیده می‌شود. به علاوه، واژگان مربوط به رنگ‌ها و گل‌ها و نیز کلمات حاوی بار احساسی و صورت‌های وصفی نیز فراوانی درخور توجهی دارند.

- در انتخاب ساختارها و الگوهای زبانی، پروین پیرو الگوهای خاص گونه‌ی زبانی جنس خود است. استفاده از ساخت‌های تعجبی و پرسشی، کاربرد ضمیرهای جمع به ویژه ضمیر اول شخص «ما»

- برای ایجاد نوعی فضای مشارکت و ارتباط با مخاطب، (استراتژی انسجام) و نیز ترجیح به کاربرد گونه‌ی زبانی غیرمستقیم و نیز زبان انتقاد سربسته، نشان‌دهنده‌ی انتخاب زنانه‌ی پروین است.
- پروین برای بیان دیدگاه اخلاق‌گرای خود، از موضوع‌های کاملاً موافق و مانوس با جنسیت خود استفاده می‌کند. توجه به مسائل خانوادگی و اجتماعی و نیز موضوع‌های عاطفی و احساسی از جمله پند و اندرز، هشدار، ناله و افسوس، امید، تقدیر و سرنوشت و نیز مشکلات زنان بیانگر روحیات زنانه‌ی وی است.
- توانایی ایجاد ارتباط با مخاطب با استفاده از ابزارهای کلامی و لحن صمیمانه وی از دیگر ویژگی‌های شعر پروین و نتیجه‌ی انتخاب زنانه‌ی وی است.
- و نکته‌ی آخر اینکه اگرچه بین متغیر جنس و ویژگی‌های زبانی، رابطه‌ای منظم و قاعده‌مند برقرار است، وجود ویژگی‌های زبانی نسبی بوده و نوعی گرایش نظام‌مند به‌شمار می‌رود؛ بنابراین، اولاً، انتظار بر این نیست که کلیه ویژگی‌های ذکرشده در تمام نمودهای گفتاری و نوشتاری گروه زنان مشاهده شود؛ ثانیاً اینگونه نیست که هیچکدام از ویژگی‌های فوق را نتوان در کلام گروه مخالف یافت؛ بلکه ویژگی‌های گونه‌ی زبانی جنس، نموداری تصویرگونه از گرایش‌های کلامی گروه خود را نشان می‌دهد که در اعضای آن گروه در مقایسه با گروه مخالف به‌طرز معناداری بیشتر مشاهده می‌گردد.

منابع

اعتصامی، پروین. (۱۳۶۳). *دیوان قصاید و مثنویات، تمثیلات و قطعات*. تهران: نشر ابوالفتح اصفهانی.

----- (۱۳۶۴). *اشعار پروین اعتصامی*. با مقدمه محمدتقی بهار. تهران: نشر ایمان.

----- (۱۳۷۰). *دیوان پروین اعتصامی*. با مقدمه رحیم چاوش اکبری. تهران: نشر محمد.

- پاک نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱). *فردستی و فرودستی در زبان*. تهران: گام نو.

- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۷). «پروین، زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان». *دفتر ایام*. تهران: علمی، صص ۵۳-۶۲.

- خادم ارغدی، مریم. (۱۳۸۰). «زنانگی در شعر پروین اعتصامی». *مجله شعر*. ش ۵۲. صص ۵۷-۶۱.

- شریعت ناصری، زهره. (۱۳۸۳). «نگاهی به زندگی‌نامه پروین اعتصامی». *فصلنامه بانوان شیعه*. ش ۱. صص ۱۵۳-۱۵۹.

- فلاحی، کیومرث. (۱۳۷۴). «اختر چرخ ادب: زندگی و اندیشه‌های پروین اعتصامی». *مجله تعاون*. ش ۴۶. صص ۱۶-۲۱.

- معین، محمد. (۱۳۵۵). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.

- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۳). *مردم‌شناسی جنسیت*. تهران: افکار سازمان میراث فرهنگی.

- نفیسی، سعید. (۱۳۶۲). «پروین اعتصامی». *پیام نو*. ج ۱ ش ۲. صص ۹۸-۱۰۴.

- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۰). «شوق رهایی». *چشمه روشن*. تهران: علمی. صص ۴۱۳-۴۲۴.

-Brend, R. (1975). *Male, Female: Intonation Pattern in American English*.

In Thorne and Henley. *Language Study*. Amsterdam: Benjamin.

- Hudson.R.A.(1996). *Sociolinguistics*. 2nd ed. Cambridge Univ. Press.

- Keith, G and J. Shuttleworth (1971). *Living Language: Original Writing* :Hodder and Stoughton.
- Kramer (1974). "Wishy Wash: Mommy Talk". *Psychology today*: 8 (1), 82-85.
- Lakoff, R. (1975). "Language and Woman's Place". *Language in Society*.2:45-80.
- Labov.W.(1972).*Sociolinguistic Patterns*.Philadelphia: Univ of Pennsylvania Press.
- Londis, (1972). "National differences in conversation". *Journal of Abnormal and Social Sychology*.21:354-375.
- Malmkjar,K.(ed.).(2000)."Language and Gender" in: Encyclopedia of Linguistics. vol.1.New York:Routledge. pp.259-265.
- Sacks.H. E. Scheglof and G, Gefferson, (1974). *A Simplest Systematics for the Organization of Turn taking the Conversation*. Language. 50: 697 735.
- Sapir,E.(1931).*Language:An Introductionto the Study of Speech*.New York:Harcourt,Brace.
- Trudgill,P.(1983). *Sociolinguistics : An Introduction to Language and Society* ,rev.edn.
- Wardhaugh,R.(1990).*An Introduction to Sociolinguistics*.Oxford;Basil Blackwell Ltd.
- Zimmerman, D, H & C. West (1975). *Sex Roles: Interruptions and Silence in Conversation*. In Thorne and Henley.